

دگرسازی هویتی و برساخته شدن تصورات از اسلام و ایران در غرب: ارائه تحلیلی راهبردی

علی اشرف نظری^۱

چکیده

مسئله «اسلام‌هراسی» و «ایران‌هراسی» دربرگیرنده مباحثی گسترده، دامنه‌دار و جنجالی است که در سال‌های اخیر ابعاد و دامنه‌های آن به واسطه شکل‌گیری آثار و نظریه‌های گوناگون، پربارتر شده است. مباحث و نظریه‌های موجود، مجموعه‌ای گوناگون و پراکنده از گفتگوها و کشمکش‌های فکری درباره اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را مطرح کرده است. با همه این کوشش‌ها، آنچه مایه سربسته بودن مفهوم اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است، ماهیت روان و ناآشکار این پدیده است. این ویژگی موجب شده که گفتمان‌های گوناگون بسیاری در کشورهای غربی همچون جریان‌های فکری مدرن و پست‌مدرن تا رادیکالیسم سختگیر و خشونت‌طلب به این موضوع پردازند. آنچه نیاز داریم این است که بتوانیم افزون بر پی‌بردن به هویت و ابعاد اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به راهکارهای رویارویی با آن، به شیوه ایجابی، پردازیم. بنابراین بیشتر بر چگونگی مدیریت و رویارویی با سیاست اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در کشورهای غربی و کاستن آثار و پیامدهای منفی آن بر هویت مسلمانان تمرکز می‌کنیم.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی، تصورات کلیشه‌ای، غرب، هویت، سیاست‌گذاری

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

نقش پنداشته‌های ما بر چگونگی پیوند با دیگران تعیین‌کننده است. به‌گونه طبیعی مردم به دسته‌بندی افراد و گروه‌های هویتی بر پایه مفاهیم و مقوله‌هایی ویژه گرایش دارند و نمی‌توان این مسئله را به‌طور کامل از میان برد. برخی روانشناسان و تحلیلگران اجتماعی و همچنین پژوهشگران سیاسی گرایش دارند که در چارچوب رهیافت برجسته‌تری با عنوان «تصورات کلیشه‌ای»^۱ درباره این تفاوت‌ها و پیامدهای آن گفت‌وگو کنند. تأثیر تصورات کلیشه‌ای از این واقعیت برمی‌آید که به‌گونه‌ای فراگیر در میان مردم و گروه‌های مردمی مشترک‌اند و به‌سختی بر رفتارهای مردم تأثیرگذاری می‌کنند. تصورات کلیشه‌ای پدیده‌ای فراگیر در همه تعاملات اجتماعی است که به دنبال وابستگی افراد به گروهی خاص، گزاره‌هایی غیرمنصفانه و فراگیر به آنها پیوند داده می‌شود.

باآنکه رفتار انسان‌ها از عوامل و زمینه‌های عینی تأثیر می‌پذیرد؛ ولی پایه تعامل مردم با یکدیگر، شناخت و دریافت آنها از یکدیگر است. چگونگی فهم و ارزیابی ما از دیگران، نقش برجسته‌ای در برپایی پیوند یا دوری‌گزیدن یا باور نکردن آنان و حتی چشم‌پوشی از دیگران دارد. این امر بیانگر اهمیت نگرش‌های مردم در رویارویی با پدیده‌ای یکسان است. ترکیب شناخت‌ها (باورها)، احساسات (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای کار (گرایش‌ها) درباره پدیده‌های معین، در چگونگی کنش و واکنش ما با دیگران تأثیر چشمگیری دارد. روانشناسانی که درباره شناخت اجتماعی^۲ پژوهش می‌کنند، علاقه دارند که چگونگی دریافت، تفسیر و پیش‌بینی ما از رفتارهای اجتماعی را بررسی کنند. (ر. ک: ستوده، ۱۳۸۷؛ اسدورو، ۱۳۸۴: ۴۹۹).

بنابراین، آنچه سرانجام ما را به پیوند با دیگران یا دوری‌گزیدن از آنان برمی‌انگیزد، چگونگی دریافت ما از آنها است. آنچه شایسته تأمل است، بازنمایی سیاست اسلام‌هراسی در میان گروه گسترده‌ای از گفتمان‌های متفاوت در کشورهای غربی است. از میان این گفتمان‌ها می‌توان به جریان‌های فکری مدرن و پست‌مدرن تا رادیکالیسم خشونت‌طلب (راست افراطی، صهیونیست‌های مسیحی و یهودی) اشاره کرد. از این‌رو، مدیریت و مهار

^۱. Stereotypes

^۲. Social Cognition

پیامدهای برآمده از اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و کاستن آسیب‌های آن، به تأمل جدی نیاز دارد؛ بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که ماهیت اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی چیست و چگونه می‌توان با آن رویارویی کرد؟ فرض نظری نوشتار حاضر این است که همواره شناخت دیگری، دربردارنده ضرورت‌ها و انگاره‌هایی پدیدارشناسانه است که بر اساس آن، با تقلیل و فروکاستن پدیده پیش‌رو، درصدد ارائه تصویری «کلیشه‌ای» از دیگران در چارچوب سیاست هراس است.

فهم دستگاه فکری اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و پرداختن به هنجارها و دریافته‌های بازتولید شده در متن آن، افزون بر اینکه کاری شایسته است، یک ضرورت به‌شمار می‌آید. ضرورتی که نیازمند برخورداری از یک رویکرد شناختی و موشکافانه است که با بهره‌مندی از آن بتوان اقدام مناسبی برای رویارویی با چنین امری انجام داد. هدف اصلی این مقاله آسیب‌شناسی رویکردها، دریافته‌ها و چشم‌اندازهای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و ارائه رویکردی ایجابی در واکنش به این مسئله است.

تبیین مفاهیم اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی

اسلام‌هراسی به‌عنوان پیش‌داوری و خشک‌اندیشی در برابر مسلمانان و کشورهای اسلامی تعریف شده است. ریشه این کلمه از دو واژه *Islam* و *Phobia* ساخته شده که به معنای «ترس نابخردانه» و «بیزاری از چیزی» به‌کاررفته است. در فرهنگ آکسفورد تعریف «اسلام‌هراسی» چنین است: «ترس یا تنفر از اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی به‌ویژه ترس از آن، هنگامی که به‌عنوان یک نیروی سیاسی است». <http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/Islamophobia>

این در حالی است که گرایش‌های اسلامی دربرگیرنده گروه گسترده‌ای از جریانات است که در یک سوی آن اسلام سیاسی و در سوی دیگر آن اسلام حداقلی قرار دارد. در گفتمان اسلام‌هراسی، چهره‌ای فراگیر و یکپارچه از هویت اسلامی ارائه می‌شود. اگرچه با نگاهی موشکافانه می‌توان گروه‌های گوناگون و فراوانی در میان اسلام‌گرایان شناسایی کرد که در یک سوی آن، اسلام سیاسی به‌عنوان الگوی حکومتی دلخواه در برابر لیبرالیسم غربی قرار دارد و در سوی دیگر آن، نگرش‌های سکولاری قرار دارد که دین را به سیاسی و

غیرسیاسی تقسیم کرده و با پافشاری بر هویت غیرسیاسی از اسلام، کمترین برداشت را از دین ارائه می‌کنند.

ملاحظه می‌کنیم که چگونه ایده‌های نژادی و جنسیتی در چارچوب ادبیات نوین و در راستای امنیتی کردن فزاینده و برپایی ساختارهای ویژه شهروندی، ارائه می‌شود و بر پایه آنها، افراد دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. در این زمینه، مسلمانان به رویارویی با کشورهای غربی متهم می‌شوند و گونه‌ای فرا شهروندی میهن‌پرستانه^۱ در جامعه القاء می‌شود. (Qureshi and Zeitlyn, 2012: 123) شواهد دیگر نشان می‌دهد که با سیطره ایدئولوژی‌های ملی و بکارگیری سطوح گوناگونی از واپس‌زنی در دولت‌های اروپایی، در چارچوب ایدئولوژی‌های ملی، موانع بی‌شماری برای فعالیت مسلمانان اروپا ساخته می‌شود. در فرانسه از راه ناسیونالیسم مدنی^۲ و در آلمان از راه ناسیونالیسم قومی^۳ برای محدودسازی آزادی‌های مسلمانان کوشیده‌اند. (See: Klausen, 2005) به عنوان نمونه، جنبش «پگیدا» یکی از جنبش‌های پرکار آلمان در زمینه اسلام‌هراسی است که انگیزه اصلی آن دشمنی با «اسلامی‌شدن» کشورهای اروپایی است و دسته‌های افراطی و نئونازی با گرایش‌های شوونیستی و بیگانه‌هراسانه در آن حضوری پررنگ دارند.

مسلمانان اروپا به‌عنوان اقلیتی بزرگ و اثرگذار^۴ دربرگیرنده بوسنیایی‌ها، ترک‌ها، سومالیایی‌ها، مراکشی‌ها، ایرانی‌ها، اردنی‌ها، لبنانی‌ها، فلسطینی‌ها، پاکستانی‌ها و سوری‌ها هستند. (Schmidt, 2012: 607) مبارزه با تروریسم بر سیاست‌گذاری کشورهای اروپایی درباره مهاجرین و نژادهای دیگر به‌ویژه مسلمانان تأثیر بسیاری داشته است. قانون‌گذاری‌های نوین، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات ضد تروریستی به زیان مسلمانان است و با سیاست‌گذاری‌هایی شبه نژادپرستانه^۵، از مسلمانان به‌عنوان «دشمنان داخلی»^۶ یاد می‌شود. اسلام‌هراسی در اروپا به‌ویژه انگلیس با محورهای زیر معرفی شده است:

^۱ . patriotic 'supercitizen'

^۲ . civic nationalism

^۳ . ethnic nationalism

^۴ . the majority or a substantial minority

^۵ . xeno-racism

^۶ . enemy within

(بشیر، ۱۳۸۹: ۱۰)

- طرد و بی‌بهره‌کردن در بخش‌های استخدامی، برخوردهای سیاستمداران و دولت، برخوردهای مدیران و مسئولان.

- بدرفتاری مانند برخوردهای توهین‌آمیز فیزیکی، تخریب دارایی‌ها، بدزبانی.

- تبعیض و تعصب نژادی در بخش‌های استخدام، خدمات عمومی، آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی.

استفن شوارتز، نویسنده آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام هراسانی که نیستند» می‌نویسد: «اسلام‌هراسی، محکوم‌کردن کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به‌عنوان پدیده‌ای تندرو، نادیده‌گرفتن اکثریت میانه‌رویی مسلمان و به‌شمار آوردن اسلام به‌عنوان چالشی برای جهان، برخورد با تعارض‌های مربوط به مسلمانان به‌عنوان امری الزاماً برآمده از اشتباه‌های آنان، پافشاری بر اینکه مسلمانان در صدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند و اعلان جنگ در برابر کلیت اسلام» تعریف کرده است. (بشیر، ۱۳۸۹: ۹)؛ بنابراین، اسلام‌هراسی دارای ویژگی‌های زیر است: (افتخاری (الف)، ۱۳۸۸؛ افتخاری (ب)، ۱۳۸۸: ۳۲)

۱. شکل‌گیری یک بلوک قدرت اسلامی که ویژگی بارز آن ایستایی و تغییرگریزی است.

۲. ماهیت بدون وابستگی و منحصر‌به‌فرد تمدن اسلامی که خود را از دیگران متمایز کرده و از آنها تأثیر نمی‌پذیرد.

۳. ارائه تصویری ویژه از تمدن اسلامی به تمدن غربی که بر پایه آن مسلمانان افرادی بیگانه و خطرناک برای غرب شمرده می‌شوند.

۴. بیانگر شماری از ویژگی‌های منفی همچون خشونت طلبی، تروریسم و . . . در بخش اسلامی است.

۵. بیانگر برخورداری جریان‌های اسلامی از انگیزه‌ها و اهداف سیاسی در زمینه‌های کار و نگرش است.

۶. دلالت بر ارائه دیدگاه‌های انتقادی رادیکال مسلمانان از تمدن نوین غربی دارد.

۷. توجیه‌گر سیاست‌های تبعیض‌آمیز غرب در دشمنی با مسلمانان است.

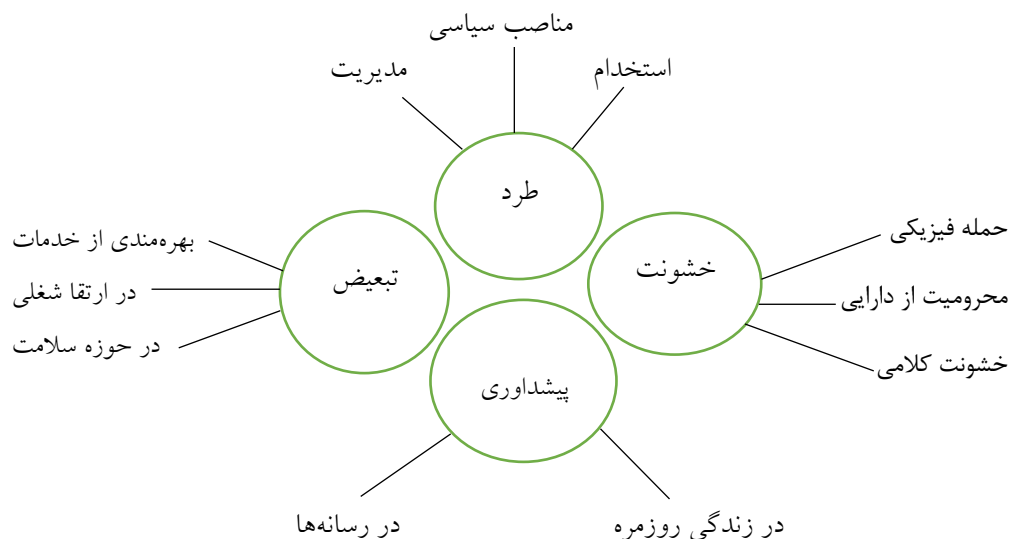
ایران‌هراسی نیز به‌عنوان «خرده‌گفتمان اسلام‌هراسی» (ر.ک: دهشیری، ۱۳۹۲)، به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران

اشاره دارد که با سیاست ایجاد هراس و تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در برابر ایران به دنبال ناتوان کردن و جلوگیری از پیشرفت و توانمندی نظام و سرانجام به‌حاشیه راندن جمهوری اسلامی است؛ به گفتاری دیگر «ایران‌هراسی، پروژه‌ای راهبردی است که براساس آن، ایران به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای منطقه و صلح و امنیت جهانی و یک بازیگر مزاحم و اختلال‌آفرین در ساختار بین‌الملل مطرح می‌شود. این رویکرد از سوی ایالات متحده آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل با هدف به‌حاشیه‌راندن جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود» (ایزدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲)

از این رو، «ایران‌هراسی» به‌عنوان برنامه‌ای راهبردی و با انگیزه به حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران در پی آن است که ایران را به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی مطرح کند و از چهره نظام ایران سیاه‌نمایی کند. از آنجاکه فرآیندهای هویتی و هویت‌یابی رفتار و کنش را معین می‌کنند (Kinnvall and Nesbitt- Larking, 2011: 7)، این پژوهش در چارچوب سیاست اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، دربردارنده تحلیل‌هایی درباره چگونگی برساخته شدن هویت مسلمانان و بازنمایی روایت‌های هویتی^۱ آنان در میان اندیشمندان غربی است.

ایران‌هراسی به مجموعه‌ای از احساسات، سیاست‌ها، رویکردها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که مایه بی‌اعتمادی، نفرت، دلزدگی، حسادت، برتری بیجا، خشک‌اندیشی، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری و دشمنی با ایرانیان به‌عنوان یک گروه نژادی قومی زبانی و مذهبی می‌شود. به‌طورکلی می‌توان محورهای ایران‌هراسی و جنگ روانی رسانه‌های غربی در برابر ایران را در هفت محور خلاصه کرد که عبارت‌اند از: ۱. القای دسترسی ایران به جنگ‌افزارهای هسته‌ای؛ ۲. پشتیبانی ایران از تروریسم؛ ۳. نقض حقوق بشر در ایران؛ ۴. القای تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛ ۵. دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورها؛ ۶. اسلامی بودن نظام سیاسی در ایران؛ ۷. القای دشمنی ایران با صلح و آرامش منطقه‌ای (ایزدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۳).

مدل عملیاتی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی



بازشناسی مفهوم تصورات کلیشه‌ای

مدت‌ها پیش از آنکه دربارهٔ بحث تصور کلیشه‌ای کندوکاو علمی شود، بحث دربارهٔ ویژگی‌های ملت‌های گوناگون، یکی از مباحث رایج در میان تاریخدانان و فیلسوفان بود. دیوید هیوم در نوشتاری دربارهٔ خلیقات ملی، با نگاهی انتقادی به مفهوم تصورات کلیشه‌ای، برجسته‌کردن اغراق‌آمیز تمایزات ملی و تصورات رایج دربارهٔ ویژگی‌های یک ملت در برابر ملت‌های دیگر (این که فرانسوی‌ها، محتاط، ساده و بی‌آلایش هستند یا آلمانی‌ها، خونگرم، افراطی و بذله‌گو هستند) را سرزنش کرد. (Jahoda, 2001: 185-186)

تصورات کلیشه‌ای از دسته مفاهیمی است که در حوزهٔ علوم اجتماعی و روانشناسی اجتماعی کاربرد دارد. واژهٔ Stereotype (στερεότυπος) از ادغام دو واژهٔ یونانی ساخته شده است. στερεός (stereos) به معنای سخت و استوار^۱ و τύπος (typos) به معنای

^۱ . solid and firm

نشانه یا نشانه‌گذاری و ادراک^۱ است. در حقیقت، معنای اولیه‌ی واژه Stereotype در زبان انگلیسی به صفحات فلزی و قالب‌های سختی که برای تولید بشقاب‌های طرح‌دار به کار می‌رفت، اشاره می‌کرد (Schneider, 2004: 6). چنانکه «میلر» یادآور می‌شود «این واژه احتمالاً به دو معنا به کار می‌رفته است: تصلب^۲ و همانندسازی. بنابراین، وقتی این واژه را در ارتباط با افراد به کار می‌بریم، یعنی تصورات کلیشه‌ای متصلب هستند و همه‌ی افرادی که به آنها اشاره شده، ویژگی‌های مشابهی دارند. (Brewer and Miller, 1984: 4) از این دیدگاه، تصورات کلیشه‌ای به تعمیم‌دهی نادرست درباره‌ی گروه‌ها اشاره می‌کند؛ در همان هنگام دیگران باور دارند که تصورات کلیشه‌ای همانند هرگونه تعمیم‌بخشی، وضعیت شناختی مشابهی دارند. همچنین برخی تصورات کلیشه‌ای را به‌عنوان پیامد استدلال منطقی و دیگران آن را دستاورد استدلال نادرست و تجربه‌ی ناقص می‌دانند. (Schneider, 2004: 6)

از دیدگاه والتر لیپمن^۳، تصورات کلیشه‌ای الزاماً بر پایه‌ی تجربه نیستند و بیشتر باید به عنوان پدیده‌ای شناخته شوند که از فرآیندهای شخصیتی سرچشمه می‌گیرند. استعاره مشهور او درباره‌ی تصورات کلیشه‌ای یعنی «تصاویری که در ذهن داریم» توجه ما را به دوگانگی بنیادین میان تصاویر ذهنی و واقعیتی که به آن ارجاع می‌دهیم، جلب می‌کند. در این تعبیر، که در میان بیشتر روانشناسان اجتماعی رواج دارد، تصورات کلیشه‌ای بیش از آنکه برآمده از واقعیت‌های عینی انگاشته شود، تصاویری دانسته می‌شود که در ذهن ما نقش بسته و دیدگاه‌های ما را از جهان اجتماعی شکل می‌دهد. این تصاویر، در بیشتر موارد، نشانه‌هایی منفی را بازنمایی می‌کند که ما به‌عنوان ویژگی‌های گروه‌های اجتماعی و اعضای آنها برداشت می‌کنیم. بنابراین، هنگامی که درباره‌ی آن گروه فکر می‌کنیم، ناخودآگاه آن ویژگی‌ها به ذهن ما خطور می‌کند. (Amodio and Lieberman, 2009: 179; Semin, 2009: 2) لیپمن با درک چنین فرآیندی، در ادامه‌ی بررسی‌های خود نوشت: «چیزی غیرمنعطف‌تر از تصورات کلیشه‌ای در بخش آموزش و نقد وجود ندارد. (Weber and Crocker, 1983: 961)

^۱ and engraved mark impression . blow,

^۲ . Rigidity

^۳ . Walter Lipmann

آپورت^۱ در کتابی با عنوان ماهیت پیش‌داوری^۲ به دلیل ارائه مفهوم «شخصیت متعصب یا پیش‌داور»^۳ که شکل رقیق‌تر شخصیت قدرت‌طلب بود؛ از کلی‌گویی پرهیز کرد و بر مسائل جزئی تمرکز کرد و درباره معیارهای شناختی گوناگونی که در پیش‌داوری و تصورات کلیشه‌ای نقش دارند، بحث کرد. آپورت باور داشت «تصور کلیشه‌ای، عقیده‌ای گسترش‌یافته در رابطه با دسته‌بندی‌های اجتماعی است و کارکرد آن، توجیه رفتار ما در ارتباط با آن گروه یا طبقه است (Zannan and Olson, 1994: 3). او تأکید کرد که بخشی از ماهیت اصلی شناخت ما با قرار دادن افراد در دسته‌بندی‌هایی ویژه به دست می‌آید که ساماندهی ویژگی‌ها، انتظارات و ارزش‌های ویژه‌ای بر پایه تصورات کلیشه‌ای و در آن ظرف شناختی، انجام می‌شود. آپورت با تأثیرپذیری از اندیشه‌های «جروم برونر»^۴ با توجه به نقش ارزش‌ها، نگرش‌ها و معیارهای اجتماعی، تصورات کلیشه‌ای را بر پایه تصورات اشتباه^۵، منفی‌نگری^۶، و تعمیم مبالغه‌آمیز می‌داند. (Stangor, 2009: 2-9)

تصورات کلیشه‌ای در این معنا بیانگر گونه‌ای واکنش به محافظت از همگونی گروه‌های خودی در برابر گروه‌های دیگر و فرآیندی همگانی است که به گروه ویژه‌ای محدود نمی‌شود، زیرا فردی که تصورات کلیشه‌ای دارد، درگیری‌های حل‌نشده بی‌شماری در درون و بیرون خود دارد. در این چارچوب می‌توان ویژگی‌هایی همچون منفی‌نگری، غیر منصفانه بودن، تعصب گروهی، تعمیم‌های موهن، نبود شفافیت و قضاوت بر پایه پنداشته‌ها و تصورات ذهنی (آنچه باید دیده شود، نه آنچه در واقعیت وجود دارد) را به مفهوم تصورات کلیشه‌ای افزود. بنابراین برای اینکه بدانیم تصورات کلیشه‌ای چه هستند، باید به سه اصل هدایتگر در این زمینه توجه کنیم:

۱. تصورات کلیشه‌ای با انجام فرآیند طبقه‌بندی، کمک‌کننده تبیین است. طبقه‌بندی، فرآیندی شناختی است که درک شباهت‌ها و تفاوت‌های نسبی میان افراد و گروه‌ها را ممکن می‌کند.

^۱ . G. W. Allport

^۲ . The Nature of Prejudice

^۳ . Prejudiced Personality

^۴ . Jerome Bruner

^۵ . Inaccuracy

^۶ . Negativity

ما نمی‌توانیم درباره گروهی تصویری داشته باشیم؛ مگر آنکه درباره تفاوت میان افراد و گروه‌های هویتی دیگر دیدگاه خودمان را بازگو کنیم. تصورات کلیشه‌ای به افرادی که آن را پذیرفته‌اند کمک می‌کند تا بر پایه طبقه‌بندی‌هایی هماهنگ، ادراکی فراخور جایگاه خود داشته باشند.

۲. تصورات کلیشه‌ای، سازوکارهایی برای ذخیره انرژی^۱ فراهم می‌کند و با ساده‌سازی و کلی‌نگری آنها را برای ارزیابی و داوری آماده می‌کند.

۳. تصورات کلیشه‌ای، باورهای مشترک گروه‌ها هستند و افراد در چارچوب دیدگاه‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده عمل می‌کنند. (McGarty, et al, 2004: 12)

تصورات کلیشه‌ای دربردارنده هرگونه شناختی از افراد و گروه‌های دیگر نیست؛ بلکه تصورات نادرست و غیردقیق درباره آنها را دربرمی‌گیرد. به گفتار بهتر، افراد ممکن است با وجود برخورداری از برخی داده‌های اندک یا سربسته، در فرآیند کلیشه‌سازی، به برخی واقعیت‌ها به‌گونه‌ای اغراق‌آمیز توجه کنند و آنها را تعمیم دهند. (Jussim, et al, 2009) (200) از این رو، پژوهشگران علوم اجتماعی باورهای نادرست افراد را درباره شخصیت، رفتار، نگرش، شایستگی‌ها و هرگونه گروه (دین، مذهب، جنسیت، نژاد، طبقه، . . .) تصورات کلیشه‌ای می‌گویند. اگرچه ممکن است تصورات کلیشه‌ای در شتاب‌دادن به تجزیه و تحلیل داده‌های موجود کمک کند و سبب کاهش پیچیدگی‌ها و نادیده گرفتن آنها شود؛ ولی سرانجام به ایستادگی در برابر مشاهدات و درک دقیق‌تر می‌انجامد.

تصورات کلیشه‌ای و بازتولید اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی

مدت‌ها پیش از آنکه درباره تصور کلیشه‌ای کندوکاو علمی شود، پرداختن به ویژگی‌های ملت‌های گوناگون، یکی از موضوعات رواج یافته در میان تاریخدانان و فیلسوفان بود. دیوید هیوم در «رساله‌ای درباره خلیات ملی»، با نگاهی انتقادی به مفهوم تصورات کلیشه‌ای، برجسته‌سازی اغراق‌آمیز تمایزات ملی و تصورات رایج درباره ویژگی‌های یک ملت در برابر ملت‌های دیگر (اینکه فرانسوی‌ها، محتاط، ساده و بی‌آلایش هستند یا

^۱ Energy-Saving

آلمانی‌ها، خونگرم، افراطی و بذله‌گو هستند) را سرزنش کرده است. (Jahoda, 2001: 185-186)

تصورهای کلیشه‌ای کارکردهایی دارند که می‌توان نقش آنها را در بازتولید اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی این‌چنین برشمرد: ترسیم گونه‌ای هویت گروهی و ایجاد احساس همانندی درون‌گروهی^۱ و تمایز برون‌گروهی^۲ (ما / آنها)، بازنمایی رده‌بندی اجتماعی، ساده‌سازی فرآیندهای شناختی، پذیرش ناآگاهانه و آسان‌سازی ارزیابی اجتماعی، سوگیری به سود گروه خودی و ایجاد مخاطرات هویتی. در ادامه به ترتیب درباره هر یک از این کارکردها گفتگو می‌کنیم:

۱. ترسیم هویت گروهی و احساس تشابه درون‌گروهی و تفاوت برون‌گروهی (ما/آنها):

تصورات کلیشه‌ای نقش مؤثری در ترسیم ابعاد و زوایای هویت گروهی دارد. در روش اندیشه‌ای که هنری تاجفل^۳ مطرح کرده و جان ترنر^۴ و به‌تازگی الکساندر و هرمان^۵ آن را گسترش داده‌اند، استدلال می‌شود که تصورات کلیشه‌ای یکی از روش‌هایی است که افراد آن گروه، خودشان را از گروه‌های دیگر جدا می‌کنند. افراد بسیاری عزت‌نفس و هویتشان را از احساس وابستگی به گروه خود می‌گیرند و در این چارچوب ویژگی‌های مثبت را به گروهی خودی و ویژگی‌های منفی را به گروه‌های بیرونی پیوند دهند. از این دیدگاه، طبیعی است که ما افراد را طبقه‌بندی کنیم و بر پایه آن، ویژگی‌ها یا تصورات کلیشه‌ای را به آنها پیوند می‌دهیم. چنین فرآیندی، فراگیر و بیشتر ناآگاهانه^۶ است.

(Tajfel (A)(B), 1981; Turner, 1987; Brewer and Herrmann 1999.)

۲. بازنمایی سلسله‌مراتب توانایی: ما در هر لحظه با چنان حجمی از داده‌ها روبه‌رو هستیم که ذهن انسان برای پردازش روان و آسان، به سازمان‌دهی آنها نیاز دارد. برای کاهش این پیچیدگی‌ها، ذهن انسان طبقه‌بندی می‌کند و امور گوناگون را در طبقه‌ها و دسته‌های

^۱ . Ingroup Homogeneity

^۲ . Outgroup Differentiation

^۳ . Henri Tajfel

^۴ . John Turner

^۵ . Alexander & Herman

^۶ . Unconsciousness

جداگانه مقوله‌بندی می‌کند. کسانی که آمادگی بیشتری برای پذیرش تصورات کلیشه‌ای دارند بر این باورند که گونه‌ای رده‌بندی میان گروه‌های اجتماعی و افراد وجود دارد. چنین باورهایی می‌تواند مایه تقویت ارزش‌های قدرت‌طلبانه این افراد شود، زیرا این باور را در آنها تقویت می‌کند که تفاوت‌های گروهی مهم و واقعی هستند و تصورات کلیشه‌ای می‌توانند این رده‌بندی اجتماعی را تقویت کنند

(Carter and et al, 2006: 1108; Ashmore & Del Boca, 1981: 29- 30)
 طبقه‌بندی ساده افراد به گروه‌های گوناگون، سرآغاز اولویت‌دادن خودکار اعضای گروه خودی است. افراد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را به‌گونه‌ای بسیار منعطف به کار می‌گیرند. شاید برخی افراد در روبرو شدن با مهاجرین، از قومیت آنها سخن بگویند، برخی دیگر بیشتر بر سن آنها پافشاری کنند و یا جنسیت آنها را با ارزش بدانند. چه‌بسا هنگام ارزیابی افراد و گروه‌هایی که با ما هویت مشترک دارند، کلیشه‌ای‌سازی و پیش‌داوری کمتری درباره آنها انجام می‌دهیم. (Abrams & Houston 2006: 8- 9) برخی نظریه‌پردازان مانند آگوستینس و واک (Augoustinos & walk , 1998)، گلیک و فیسک (Glick & Fiske, 1999: 348)، هافمن و هرست (Hoffman & Hurst: 1990: 147) بر این باورند که در عرصه اجتماعی که افراد بر پایه وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی تقسیم شده‌اند؛ نیازمند تبیین و توجیه این رده‌بندی هستیم. در واقع، طبقه‌بندی^۱ از گرایش به ساده‌سازی^۲ سرچشمه می‌گیرد. ما گرایش داریم که تا جای ممکن افراد را بر پایه شباهت‌هایشان در طبقه‌بندی‌های گوناگون جداسازی کنیم. این گرایش می‌تواند تصورات ما را مخدوش کند و سوگیری‌هایی را با انگیزه ایجاد تمایز میان اعضای گروه خود و دیگری ایجاد نماید.

۳- ساده‌سازی فرآیندهای شناختی: پسرفت انسان‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مبالغه‌آمیز و معمولاً منفی، ارائه نگرشی یکنواخت و قالب‌بندی شده از رفتارهای ویژه برای ایجاد تفاوت از پیامدهای ساده‌سازی شناختی است که از تصورات کلیشه‌ای سرچشمه می‌گیرد. کلیشه‌ای‌سازی، مردم را بر پایه هنجارهای ویژه، طبقه‌بندی می‌کند و

^۱ . Categorization

^۲ . Simplicity

افراد کنار گذاشته شده را به عنوان «دیگری» یا «غیرخودی» می‌پندارد. تصورات کلیشه‌ای برای افراد باارزش هستند، زیرا مجالی برای ارزیابی ساده و تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند. اگر تصورات کلیشه‌ای سودمندی خود را به عنوان ساختارهای ساده‌ساز ذهنی از دست بدهند، سرانجام راهنمایی و شکل‌دهی به فرآیندهای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میان می‌رود. (Locke and Johnston, 2001: 123)

تصورات کلیشه‌ای، کمکی برای ساده‌سازی جهان پیرامون است و برای اندیشه مولد^۱ ضروری است. از آنجاکه شناخت درست افراد و گروه‌هایی که با آنها پیوند داریم، شدنی نیست؛ می‌توانیم از راه ساده‌سازی‌های تصورات کلیشه‌ای، هر فرد یا گروه را در جایگاه مربوط به خودش قرار دهیم. ما جهان اجتماعی را به مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌کنیم، نه به دلیل ناتوانی در گنجایش شناختی؛ بلکه برای آنکه می‌خواهیم تمایزهای معناداری ایجاد کنیم که اندیشه و رفتار ما را آسان کند. (Schneider, 2004: 76). 107: Hirschfeld, (2001)

۴- پذیرش ناآگاهانه و آسان‌سازی ارزیابی اجتماعی: پذیرش باورهای کلیشه‌ای بدون قید و شرط، لوی و لنگر^۲ ابراز می‌کنند که آثار تصورات کلیشه‌ای بر سلامت جسمانی و روانی افراد از راه پذیرش بدون قید و شرط باورها آشکار می‌شود. گرایش به مشابه دانستن اعضای گروه‌های دیگر را «توهم همانندی برون گروهی» و گرایش به گوناگون دانستن اعضای گروه خودی را «تمایز درون گروهی» می‌نامند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰۷).
تصورات کلیشه‌ای از این جهت اهمیت دارند که بخشی جدانشدنی از زندگی روزمره ما هستند و بر قضاوت و رفتار ما درباره افراد تأثیر می‌گذارند؛ اگرچه بیشتر ما از آنها آگاهی نداریم. آنها بخشی از زبان روزانه، ساختارهای شناختی و زمینه‌ساز پیشگویی رفتارها هستند که به عنوان «آفتی شناختی»^۳ بر بسیاری از بخش‌های زندگی ما سایه افکنده و پیوندهای اجتماعی ما را مسموم می‌کند. آنچه پیامدهای برآمده از رواج تصورات کلیشه‌ای را پیچیده‌تر می‌کند، گسترش به‌کارگیری این تصورات است؛ شاید به این دلیل که در بیشتر موارد ناآگاهانه استفاده می‌شوند و به آسانی نمی‌توان آنها را مهار یا متوقف کرد.

^۱ Productive Thought

^۲ Levy & Langer

^۳ Cognitive Monsters

(See: Bargh, 1999)

۵. سوگیری به سود گروه خودی: از دیدگاه تئوری، شکل‌گیری مفهوم «دیگری»^۱ به دورانی بازمی‌گردد که نظریه‌پردازان «تعامل نمادین»^۲ همچون «هربرت بلومر»^۳ و «جرج هربرت مید»^۴ مطرح شدند. «مید»، مفهوم «دیگری تعمیم‌یافته»^۵ را مطرح کرد و آن را به مفهوم بقای گروه با چشم‌پوشی از افراد تعریف کرد. (see: Mead, 1967) بنابراین همواره گونه‌ی ویژه‌ای از بازنمایی در پیوند با دیگران و تعیین مناسبات میان ما/ آنها شکل می‌گیرد که می‌توان راهبردهای این بازنمایی را این‌چنین برشمرد:

۱. آرمانی جلوه دادن جایگاه خود

۲. فرافکنی خیال‌پردازانه درباره‌ی دیگران

۳. ناتوانی در به رسمیت شناختن و محترم شمردن تفاوت

۴. گرایش به تحمیل مقوله‌ها و هنجارهای ویژه‌ی خود

۶. ایجاد مخاطرات هویتی: تصورات کلیشه‌ای به‌عنوان تهدیدی موقعیتی شناخته می‌شوند، به این معنا که هرگاه تصورات کلیشه‌ای منفی درباره‌ی اعضای یک گروه پذیرفته و به‌کارگیری شوند، امکان پیدایش مخاطرات هویتی وجود دارد. این مخاطرات هنگامی پدید می‌آیند که گروهی که درباره‌ی آن کلیشه‌ای‌سازی انجام شده، به ویژگی‌های منفی مشهور شود. این وضعیت، «تهدید هویت اجتماعی»^۶ را در پی دارد. اگر در برخورد با واقعیت، ویژگی‌های پیوند داده شده به گروه‌های دیگر، درست پنداشته شوند؛ به تهدیدهای هویتی دامن خواهند زد.

در پژوهشی که برای بررسی موشکافانه‌ی اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی انجام شده، شماره‌های گوناگون روزنامه‌ی «تایمز» در دوره‌ی زمانی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ م. بررسی و

^۱ . Other

^۲ . Symbolic Interaction

^۳ . Herbert Blumer

^۴ . George Herbert Mead

^۵ . Generalized Other

^۶ . Social Identity Threat

بازبینی شد و محورهای اصلی اسلام‌هراسی بدین گونه شمارش و دسته‌بندی شده است: (خانی، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۱)

۱. بزرگنمایی خطر اسلام برای غرب و مسیحیت: یکی از محورهای اصلی «تایمز» برای گسترش اسلام‌هراسی، نمایش اسلام به‌عنوان خطر و تهدیدی برای جوامع غربی و بزرگنمایی از این تهدید است. «تایمز» در این راستا و برای هم‌تراز کردن اسلام با نژادپرستی و نازیسم در مقاله‌ای که در ۲۴ آوریل ۲۰۰۶ م به بهانه گنجاندن خبر گرویدن یک آلمانی به اسلام چاپ کرد، تلاش کرد تا اسلام را در قالب تعابیر نژادی مورد حمله قرار دهد.

۲. دامن زدن به اختلاف میان اسلام و مسیحیت: یکی از سیاست‌های پیگیری شده «تایمز» بزرگنمایی از تفاوت‌های ادیان الهی به‌ویژه اسلام و مسیحیت است. مقایسه اسلام و مسیحیت و هشدار درباره پیشی گرفتن اسلام از مسیحیت، محور گزارش پرمناهی است که این روزنامه در ۳۱ مارس ۲۰۰۸ م به آن پرداخته است.

۳. یکی دیگر از روش‌های تایمز برای گسترش اسلام‌هراسی، متهم کردن مسلمانان و جوامع اسلامی به واپس‌گرایی و ارائه تصویری عقب‌مانده از اسلام و جوامع اسلامی است. این روزنامه در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸ م. با بازگویی گزارشی از گزارشگر خود (روث گلندهیل) اسلام را مذهب سده‌های میانی معرفی می‌کند. همچنین در مقاله‌ای که به قلم تنودور دالریمل در ۱۵ آوریل ۲۰۰۴ م. در تایمز چاپ شده است، مسلمانان مهاجر در اروپا را واپس‌گرا و مردان مسلمان را با عنوان تبهکار، معتاد، زن‌باره و تروریست و زنان را با عنوان اسیران خانگی معرفی کرده است.

۴. به تصویر کشیدن اسلام به‌عنوان آیینی ناسازگار با مردم‌سالاری: تلقین ناسازگاری میان اسلام و مردم‌سالاری و به‌گفتار دیگر، معرفی آموزه‌های اسلام به‌عنوان آموزه‌هایی ناسازگار با مردم‌سالاری، از روش‌های دیگر تایمز است. این روزنامه ۲۳ مه ۲۰۰۴ م با گنجاندن نوشتاری تحت عنوان «اسلام و مردم‌سالاری؛ اتحاد ناممکن»، آموزه‌های اسلام را در دوگانگی ماهوی با مردم‌سالاری قلمداد کرده و ایده برابری در اسلام را ناپذیرفتنی قلمداد می‌کند.

۵. اسلام عامل تروریسم: معرفی اسلام به عنوان عامل گرایش جوانان به تروریسم یکی ادعاهای تبلیغاتی تایمز در راستای گسترش اسلام‌هراسی است. آدام فرسکو در تحلیل خود در ۷ نوامبر ۲۰۰۶ م اسلام را تروریست‌پرور معرفی می‌کند.

به‌طور کلی، ایدئولوژی اسلام‌گرایی در چارچوب‌های گوناگونش، همچون دیگر ایدئولوژی‌ها، پیش از آنکه بیانگر ساختار اعتقادی یا ارزش‌های کلی اندیشه اسلامی باشد، می‌بایست با عنوان‌های زیر به آن توجه کرد: مجموعه‌ای از شعارهای توجیه‌کننده؛ محور متمرکز سیاسی؛ نزدیکی با اندیشه‌های گوناگون در گذشته و اکنون؛ میزان نادیده گرفتن عناصر نوین یا گوناگون؛ میزان تأثیرگذاری بر رفتار و ایجاد یکپارچگی اندیشه‌ای؛ میزان وابستگی و نزدیکی به کانون‌های قدرت. (Shiles, 1968: VII)

آنچه اسلام را از دیدگاه کشورهای غربی، تنها گزینه احتمالی برای رویارویی با آنها معرفی می‌کند، گنجایش ساختاری اسلام برای ایجاد سازوکاری هویت‌بخش و فراگیر است که داعیه عام‌گرایانه و جهان‌شمول دارد. اگرچه نباید فراموش کرد که علت اصلی رویارویی اسلام‌گرایان با کشورهای غربی، از سیاست‌های کشورهای غربی و رفتار آنان با مسلمانان سرچشمه می‌گیرد و در برخی موارد به کلیت اسلام، با چشم‌پوشی از زوایای میانه یا رادیکال آن، حمله می‌شود که با برجسته کردن توصیف‌های تعصب‌آلود، پیش‌زمینه گروهی دشمنانه‌ای در برابر اسلام ایجاد می‌شود. (See: Wang, 1989) به گمان «بابی سعید»، اسلام‌گرایی در دیدگاه تحلیلگران غربی به‌عنوان چالشی هراس‌آور، تهدیدکننده و پیچیده پنداشته می‌شود که همانند «روح» ویژگی روان و همه‌جا حاضر بودن را دارد و می‌تواند نهادهای لیبرالی نوین را به آشوب بکشاند (سعید، ۲۲: ۱۳۷۹). با توجه به این مسئله، چنانکه در ادامه خواهیم دید، در بیشتر تحلیل‌های اندیشمندان غربی ماهیت یکپارچه و یک‌سویه اسلام و بنیادگرایی اسلامی به‌عنوان یک اصل مهم انگاشته می‌شود و به گوناگونی تعبیر ارائه‌شده از اسلام و حتی گوناگونی رویه‌های نهفته در جوامع اسلامی به‌هیچ‌رویی پرداخته نمی‌شود.

اسلام‌هراسی در این چارچوب دربردارنده این برداشت است که میان اسلام و فرهنگ‌های دیگر ارزش مشترکی وجود ندارد و اسلام در سنجش با غرب، در جایگاهی فرودست قرار

دارد و بیش از آنکه دین باشد، یک ایدئولوژی سیاسی است. بنیاد «رانیمد تراست»^۱ هشت برداشت از اسلام‌هراسی را به شرح زیر شناسایی کرده است:

- تمدن اسلامی بلوکی تک‌صدا، ایستا و بدون واکنش در برابر دگرگونی‌ها است.
- تمدن اسلامی «دیگری» جداگانه است که ارزش مشترکی با فرهنگ‌های دیگر ندارد و رابطه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد.
- تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی، تمدنی فرودست است؛ همچنین تمدنی بربری، غیرعقلانی، نخستین و جنسیت‌گرا به‌شمار می‌آید.
- تمدن اسلامی تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده، پشتیبان تروریسم و درگیر در رویارویی تمدن‌ها است.
- اسلام، گونه‌ای ایدئولوژی سیاسی است، که برای اهداف سیاسی و نظامی به‌کارگیری می‌شود.

- نکوهش‌های مسلمانان درباره کشورهای غربی، نکوهش‌هایی کهنه و رد شده است.
- دشمنی با اسلام توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در برابر مسلمانان و دور کردن آنان از جامعه است.

- دشمنی با اسلام امری بهنجار شمرده می‌شود (بشیر، ۱۳۸۹: ۹-۱۰).

بر این پایه، مدرنیته به‌مانند یک «فراگفتمان»^۲ با گونه‌ای از تمایز بخشی «هستی شناختی» و «معرفت شناسانه» دو انگاری‌های متضادی مانند شرق/ غرب، اسلام/ مسیحیت، زن/ مرد، متمدن/ بربر و . . . ایجاد کند تا برای شناساندن خویش، گونه‌ای «دگر» که فروتر از اوست، تعریف کند و با فرآیند حذف و غیریت یا بیگانه‌سازی بتواند به معنا، اندیشه، نظریه و هویتی همگن و هماهنگ دست یابد. «ژاک دریدا» در این باره می‌گوید: «همه اندیشه‌های غربی تضادی دوگانه تشکیل می‌دهند که در آنها عضوی برتر و مقدم‌تر به شمار می‌روند و عضو دیگر را به حاشیه می‌رانند» (پاول، ۱۳۷۹: ۱۰۹). برای ساختن هویت هر چیز، باید چیزهای دیگر، غیر و بیگانه شوند. همه تمایزها در سخن فلسفی همچون راستی و دروغ، حق و باطل بدین شیوه ایجاد می‌شوند. «ساموئل هانتینگتون» درباره ضرورت «دگرسازی»

^۱ . Runnymede Trust

^۲ . Metadiscours

برای توضیح هویت می‌گوید: «اگر بربرها وجود خارجی ندارند، باید در پی به‌وجود آوردن آنها باشیم. جهان در پرتو مفاهیم متضاد، بهتر درک می‌شود. همسازی طبیعی، توهم خطرناکی است» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۳۸). از این‌رو، جداسازی میان «ما» و «دیگری» از پنداشته‌های بنیادین کنش نوین سیاسی در غرب هستند.

البته می‌توان ریشه این شیوه نگرش به دیگران، برای شناساندن و هویت‌یابی خود را به روزگار پیشامدرن بازگرداند. چنان‌که ارسطو می‌گوید: «غرب» بی‌مانند، متمایز، تقلیدناپذیر، کاملاً عقل‌گرا، انسان‌مدار و با فرهنگ آزاد است، حال آنکه همه اهالی مشرق زمین، ذاتاً برده و فرمانبردارند. (Dessa, 1987: 349-50) می‌توان رگه‌های اصلی این روش اندیشیدن را در گفتمان نوین «هویت/ غیریت» دید که فرهنگ اسلامی در آن، به‌عنوان فرهنگ نبود عقلانیت، بندگی و رکود توصیف می‌شود و در نتیجه «غیر» فرهنگ غربی به‌شمار می‌آید. چنین دیدگاهی که ماهیت سیاسی و جهان‌بینانه دارد، نگرشی «اروپا محور»^۱ به موضوع دارد (Hunter, 2004: Iv) کتاب *شرق‌شناسی جدید: اسلام سیاسی و*

تنوری جنبش‌های اجتماعی به این نکته توجه کرده و می‌گوید:

«مطالعه فرهنگ و جنبش‌های اسلامی بیشتر بر پایه دیدگاه اروپا محورانه «غیریت» است که بر پایه آن دولت‌های نوین اروپایی به دلیل برخورداری از قدرت انحصاری و ادعای «تصاحب دانش»، خویشان را به‌عنوان «مرکز جهان» می‌پندارند. چنین دانشی از دیگران متعصبانه، استیلاجویانه و بر پایه روابط نابرابر قدرت است.» (Mousalli, 2003: 96)

مجله نیویورکر در ماه سپتامبر ۲۰۰۷م گزارش داد که «بارنت روبین»، کارشناس افغانستان در دانشگاه نیویورک، باور دارد که «دیک چنی» به بنگاه‌های رسانه‌ای نومحافظه‌کار، همچون وال‌استریت ژورنال و فاکس نیوز، دستور داده تا تبلیغات گسترده‌ای برای وادار کردن دیگران به پذیرش اندیشه دشمنی با ایران آغاز کنند که اکنون آثار آن تبلیغات آشکار شده است. بر پایه نظرسنجی نشریه *Global Research* شماره ۲ آوریل ۲۰۰۸، یک‌چهارم آمریکایی‌ها باور داشتند که ایران بزرگ‌ترین تهدید ایالات متحده در روزگار کنونی است. او در ادامه می‌گوید: بر پایه نظرسنجی گالوپ، ایران با ۲۵ درصد، در بالاترین جایگاه فهرست دشمنان

^۱ Euro-centric .

قرار دارد. عراق با ۲۲ درصد، چین با ۱۴ درصد و کره شمالی با ۹ درصد، در جایگاه‌های پس از آن قرار گرفته‌اند. (بنگاش، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۸).

در سال‌های اخیر، ایران‌هراسی موضوع دایره گسترده‌تری از تبلیغات رسانه‌ای، از جمله سینما بوده است و به‌راستی توانایی بیشتری برای دست‌کاری دیدگاه‌های مخاطبان دارد. میزان چشمگیری از تبلیغات سیاسی یا پروپاگاندا در برابر ایران وجود دارد که انگیزه بیشتر آنها نشان‌دادن چهره‌ای پلید از ایرانیان است. برخی از این کارها از راه پخش گسترده رایانامه، شبکه‌های اجتماعی و تارنماها در محیط اینترنت و برخی دیگر در رسانه‌های همگانی انجام می‌شود که همگی بر پایه‌دروغ، تحریف و موضوعات تخیلی ساخته شده است. فیلم‌ها و برنامه‌هایی که می‌کوشند تا برای القای ایران‌هراسی همه این محورها و عناصر را در نوشته و پس‌زمینه خود به‌کارگیرند. همواره ایران، در چارچوب ایران‌هراسی، به ویژگی‌های زیر توصیف شده است: یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگ‌ترین پشتیبان تروریست در جهان، کشوری که نفرت را در جهان گسترش می‌دهد، بزرگ‌ترین تهدید برای همسایگان، تهدیدی برای صلح جهانی، کشوری که برای نسل‌کشی یهودیان در آینده برنامه‌ریزی کرده و مواردی از این دست. در سریال ایتلیجنس (Intelligence) نیز همانند فیلم‌های دیگر هالیوود، این مفهوم که «همه مسلمانان تروریست نیستند؛ ولی همه تروریست‌ها مسلمانند» تبلیغ می‌شود و این مسئله بخشی از سیاست‌های سازمانی فیلم‌سازی آمریکا شده است. در این سریال کشورهای چین، روسیه، ایران و تا اندازه‌ای کره شمالی را در چند نوبت دشمن‌های آمریکا (به‌ویژه در زمینه جنگ سایبری) معرفی می‌کند و در پایان هم می‌بینیم که سایبرکام (قرارگاه فرماندهی سایبری آمریکا) در برابر آنها پیروز شده و از حملات آنها جلوگیری کرده است. البته در فصل نخست فیلم، حضور چین و ایران از بقیه کشورها پررنگ‌تر است که گویی این سریال به بیننده آمریکایی و نیز بینندگان کشورهای دیگر این‌گونه القاء می‌کند که این دو کشور در زمینه جاسوسی علیه آمریکا بسیار توانا هستند و دولت آمریکا حق دارد برای رویارویی با چین و ایران به اقدامات دشمنانه روی بیاورد.

(ایران‌هراسی در سریال (http://www.faraghlit.com/ Intelligence)

یکی از مهم‌ترین محورهای سینمای هالیوود پس از انقلاب اسلامی ایران، این است که چهره‌ای تهدیدآمیز، افراطی و غیرمنطقی از مردم ایران ارائه کند. در سه دهه گذشته، سینمای

هالیوود فیلم‌های بسیاری با محوریت ایران و مسلمانان ساخته و در سطحی گسترده پخش کرده است. فیلم‌هایی همچون «بدون دخترم هرگز»، «خانه‌ای از شن و مه»، «اسکندر»، «۳۰۰»، «محاصره»، «غیرقابل تصور»، «شمارش معکوس اورشلیم»، «سیربانا»، «پرسپولیس» و فیلم‌های بسیار دیگری که تنها هدفشان نمایش چهره‌ای خشمگین و غیرواقعی از ایرانی‌ها و مسلمانان است. فیلم «آرگو» مردم ایران را مردمانی تندخو، عقب‌افتاده، غیرمنطقی، خودخواه و بد دهن بازنمایی کرده و در برابر آن، مردم آمریکا را مردمانی دلسوز، باگذشت و جان‌فشان معرفی می‌کند که برای نجات هم‌وطنان خود، آمادگی فدا کردن جان خود را دارند. (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۲) به‌گونه کلی، ایران‌هراسی به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران اشاره می‌کند که با سیاست ایجاد ترس و دگرگونی رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در برابر ایران، به‌دنبال ناتوان کردن رژیم ایران و در پی آن به‌حاشیه‌راندن برتری جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.

جدول زیر نشان‌دهنده داده‌ها و عناوین مرتبط با مسائل اسلامی است که در سال ۲۰۱۰ در هشت نشریه جهانی چاپ شده است، گفتمان‌های گوناگون در مهم‌ترین رسانه‌های چاپی جهان در راستای گسترش پروژه «اسلام‌هراسی» و برنامه‌ریزی سیاست‌های کلان برای مبارزه با اسلام است. (بشیر، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۱)

اطلاعات نشریه	عنوان مطلب	محورهای مهم گفتمانی مطرح شده در نشریه	محورهای گفتمانی اسلام‌هراسی
لوتان LE TEMPS (سوئیس)، تاریخ نشر: ۳۱ مه ۲۰۱۰ (۱۰ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: مالوری اشنولی پوردی MALLORY SCHNEUWLY PURDIE	باید بیشتر از برقع، در اندیشه نسل دوم مسلمانان باشیم	۱- یکی از مهم‌ترین مسائل سوئیس ادغام مسلمانان در جامعه سوئیس و نیز ادغام دین اسلام در تعدد دینی در سوئیس است. (ایجاد اسلام اروپایی) ۲- حجاب کامل با مسئله ادغام در سوئیس ناسازگار است.	ضرورت ادغام و همگرا شدن جوانان مسلمان در جوامع غربی.
نزاویسیمایا گازتا (روسیه)، تاریخ نشر: ۲ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۲ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: گریگوری میخایلف	ثمره‌های انقلاب، بی‌ثباتی سیاسی در قرقیزستان مایه	۱- ترس مردم از فعالیت روزافزون مبلغان اسلام رادیکال در قرقیزستان. ۲- آماده بودن زمینه گسترش	ضرورت ساختن اسلام ویژه اروپا که با مدرنیته همراه

<p>باشد.</p>	<p>اندیشه‌های اسلام رادیکال در قرقیزستان. ۳- اظهار نگرانی از احتمال پیدایش گروه‌های سیاسی در قرقیزستان.</p>	<p>رشد رخنه رادیکال‌های اسلامی می‌شود</p>	
<p>تأکید بر جوانان و نسل دوم مسلمانان برای پروژه ادغام‌سازی</p>	<p>۱- یکی از آگهی‌های ۴۰ دستگاه اتوبوس در شهر نیویورک این است: «آیا فتوا جان شما را در معرض خطر قرار داده است؟» ۲- یکی از اهداف این آگهی‌ها تشویق مسلمانان و پشتیبانی از آنها برای رها کردن اسلام است. ۳- در آمریکا گروهی به نام «اسلامی‌کردن امریکا را متوقف کنید» پایه‌ریزی شده و وظیفه خود را افشای ماهیت سرکوبگر و واپس‌گرای اسلام می‌داند. ۴- نگرانی از فرهنگ مسلمانان جدی است.</p>	<p>خطر شیطانی جلوه دادن پیروان اسلام</p>	<p>نیویورک‌تایمز NEW YORK TIMES (آمریکا)، تاریخ نشر: ۲ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۲ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: ریچارد برنستاین RICHARD BERNSTEIN</p>
<p>اسلام یک جهان‌بینی انحصارطلب است.</p>	<p>۱- باید با آموزش جوانان و ائمه مساجد، تفسیری نوگرایانه از اسلام ارائه کنیم. (اسلام اروپایی)</p>	<p>اسلام مانند گذشته، دین خارجی شمرده می‌شود</p>	<p>زوددویچه سابتونگ SUEDEUTSCH ZEITUNG (آلمان)، تاریخ نشر: ۶ ژوئن ۲۰۱۰، نویسنده: رولاند پرویس ROLAN PREUSS</p>
<p>ضرورت تأکید بر آموزش جوانان مسلمان و ائمه مساجد بر پایه تفسیر نوگرایانه از اسلام</p>	<p>۱- احساس بد یک مسلمان در برابر یافته‌های منفی نظرسنجی «بنیاد پژوهش اسلام» در انگلستان</p>	<p>بازتاب بد اسلام</p>	<p>گاردین GUARDIAN (انگلستان)، تاریخ نشر: ۸ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۸ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: انور اختر ANWAR AKHTAR</p>

<p>تأکید بر ناسازگاری اسلام با اصول آزادی</p>	<p>۱- فرهنگ اسلامی ستم بر زنان را روا می‌دارد. ۲- فرهنگ اسلامی، پارتی‌بازی و تباهی را تثبیت و ترویج می‌کند. ۳- فرهنگ روشنگری غرب (در برابر فرهنگ اسلامی) بهتر است. ۴- اسلام بر پایه نابرابری جنسیتی و تسلیم‌بودن در برابر جبر استوار است. ۵- در کشورهای غربی (بر خلاف جوامع اسلامی) مردم خودشان را از خرافات آزاد کرده‌اند. ۶- دگرگون کردن ذهن و اندیشه مسلمانان امری ممکن است. ۷- اهانت پیامبر اکرم (ص) به مردم از راه ارزش‌گذاری دو برابری مرد در سنجش با زن ۸- اسلام بر خلاف کشورهای غربی که زندگی مردم را گرامی می‌شمرد، زندگی پس از مرگ را ارج می‌نهد. ۹- اسلام با اصول آزادی ناسازگار است. ۱۰- اسلام ستم به زنان و انواع خشونت‌ها را توجیه می‌کند. ۱۱- کشورهای غربی باید نه تنها در غرب، بلکه در جهان با اندیشه‌های اسلامی مبارزه کنند.</p>	<p>رویارییی با اسلام افراطی</p>	<p>گازت GAZETTE (کانادا)، تاریخ نشر: ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ (۲۲ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: عیان هرسی علی AYAAN HIRSI ALI</p>
---	---	---------------------------------	---

	<p>۱۲- آزادی بیان، از جمله حق کفر و اهانت، زیرساخت آزادی و جامعه آزاد است.</p> <p>۱۳- آیین نامه سخت گیرانه اسلام در دراز مدت برای جوانان مسلمان، به ویژه دختران تحمل کردنی نیست.</p> <p>۱۴- برای مخالفت با جزم گرایی اسلامی باید داستان بلند، قطعات موسیقی، طنز، داستان کوتاه، نوشتارهای شوخی آمیز، کاریکاتور و فیلم های انتقادی فراهم کرد.</p>		
	<p>۱- وابستگی دینی جوانان مسلمان مایه ناهمگرایی آنان در جامعه آلمان (غرب) می شود.</p> <p>۲- وابستگی دینی جوانان مسلمان مایه افزایش خشونت است.</p> <p>۳- وابستگی دینی مهاجران مسلمان مایه گسترش معیارهای مردسالارانه است.</p> <p>۴- ۴۵ درصد از جوانان مسلمان در معرض خشونت والدین هستند.</p> <p>۵- ائمه مساجد در روند همگرایی جوانان مسلمان در آلمان (غرب) نقش اصلی را دارند.</p> <p>۶- ائمه مساجد بزرگ ترین مانع ادغام جوانان مسلمان در</p>	<p>آمادگی برای خشونت ورزیدن در جایگاه یک فرهنگ</p>	<p>فرانکفورتر آگماینه (آلمان)، تاریخ نشر: ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰ (۲۴ خرداد ۱۳۸۹)، نویسنده: نکلا کلک NEKLA KELCK</p>

	<p>جامعه آلمان (غرب) هستند. ۷- اسلام دینی است که هرگز مسئول کارکرد مسلمانان نیست.</p>		
--	---	--	--

یکی از محورهای اصلی اسلام‌هراسی در اروپا، نادیده گرفتن حقوق شهروندی مسلمانان در اروپا است. موقعیت گفتمانی مسلمانان به‌گونه‌ای گسترده در سیاست‌های دولتی و رسانه‌ها به‌عنوان یک تهدید امنیتی بازتاب داده شده است. در تصویری که از مسلمانان نشان داده می‌شود، آنها به‌عنوان افرادی ضد شهروند^۱ و مظنون به فعالیت‌های مجرمانه^۲ شناسانده می‌شوند. (Qureshi and Zeitlyn, 2012: 111)

رازک^۳ استدلال می‌کند که ستیز با تروریسم به دوران رویارویی غرب با نژادهای دیگر بازمی‌گردد. استدلال او این است که باید افراد روزآمد و آگاه خودشان را از شر تروریست‌ها که به گمان غربی‌ها مسلمانان و عرب‌ها هستند، محافظت کنند و باید زنان را از خشونت‌هایی که مردان مسلمان از راه تحمیل پوشش‌هایی همچون برقع^۴ بکار می‌برند، رهایی داد. این پوشش نه‌تنها نشانه بربریت است؛ بلکه دلیلی برای تجاوز است. (Qureshi and Zeitlyn, 2012: 112)

در یک پژوهش که درباره چگونگی برخورد با مسلمانان در هشت کشور اروپایی انجام شد، نمونه‌های گوناگونی از رویکرد رویارویی با مسلمانان در میان شهروندان این کشورها به چشم می‌خورد: بیشتر مردم این کشورها باور دارند که مسلمانان خواسته‌های بیش از اندازه‌ای دارند و مایه ناآرامی می‌شوند؛ شهروندان این کشورها نگران حضور اقلیت مسلمان هستند به‌گونه‌ای که دست‌کم ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در بریتانیا، آلمان، ایتالیا و هلند باور داشته‌اند که شمار مسلمانان در کشورشان بیش از اندازه و زیاد است. همچنین این پژوهش بیانگر آن است که اروپایی‌ها به‌گونه گسترده‌ای در مسئله دشمنی با مسلمانان هم‌عقیده‌اند. (Zick et al, 2011)

^۱. anti- citizen

^۲. criminalized 'suspect community'

^۳. Razack

^۴. burqa

رویکرد نسبت به مسلمانان در میان هشت کشور اروپایی ۲۰۱۱

مجارستان	پرتغال	لهستان	ایتالیا	هلند	فرانسه	بریتانیا	آلمان	
۶۰,۷	۲۷,۱	۴۷,۱	۴۹,۷	۴۱,۵	۳۶,۲	۴۴,۷	۴۶,۱	تعداد مسلمانان در کشور بیش از اندازه است
۶۰,۰	۳۴,۴	۶۲,۳	۶۴,۷	۵۱,۸	۵۲,۸	۵۰,۰	۵۴,۱	مسلمانان خواسته های زیادی دارند
۵۳,۴	۶۲,۲	۶۱,۵	۶۰,۴	۴۶,۷	۵۲,۳	۴۷,۲	۵۲,۵	اسلام دین ناپردباری است
۳۰,۲	۵۰,۱	۱۹,۰	۲۷,۴	۳۸,۷	۴۹,۸	۳۹,۰	۱۶,۶	فرهنگ اسلام قابلیت همنشینی در کشور/اروپا را دارد
۷۶,۸	۷۲,۱	۷۲,۱	۸۲,۲	۷۸,۲	۷۸,۸	۸۱,۵	۷۶,۱	رویکرد مسلمانان در قبال زنان در تناقض با ارزش های ماست
۳۹,۳	۳۰,۳	۳۰,۲	۲۸,۵	۲۹,۲	-	۳۷,۶	۲۷,۹	بسیاری از مسلمانان تروریست ها را قهرمان میدانند
۲۹,۶	۲۲,۴	۲۶,۰	۲۱,۵	۱۹,۹	۲۳,۳	۲۶,۳	۱۷,۱	اغلب مسلمانان تروریسم را امری توجیه پذیر میدانند

Zick, A. , Küpper, B. and Hövermann, A. (2011) *Intolerance, Prejudice and Discrimination: A European Report*. Berlin: Friedrich-Ebert-Stiftung.

بایسته های راهبردی برای رویارویی با اسلام هراسی و ایران هراسی

به طور سنتی، چنین گمان می شود که تصورات کلیشه ای شکل گرفته در چارچوب اسلام هراسی و ایران هراسی در برابر دگرگونی ایستادگی می کنند و با اینکه پیامدهای

ناپسندی در میان افراد دارد؛ ولی گونه‌ای هم‌رایی درباره آنها وجود دارد. بر پایه این پنداشت، دگرگون کردن تصورات کلیشه‌ای چندان آسان نیست و حتی اگر دگرگون شوند، نمی‌توان به بهبود روابط میان گروه‌های هویتی امید بست؛ زیرا شاید تصورات کلیشه‌ای تازه‌ای شکل گیرد و در میان مردم گسترش یابد که همانند تصورات کلیشه‌ای پیشین ناپسند است. (Madon et al. 2001: 1008)

شاید بتوان با اندیشه‌ای تیزبینانه‌تر، به دستاوردهای خوبی در زمینه تغییر تصورات کلیشه‌ای منفی دست یابیم. با بدیده داشتن چنین امیدی، در ادامه پژوهش کوشیده‌ایم تا افزون بر ارائه برخی دیدگاه‌های مطرح‌شده در زمینه چگونگی کاهش پیامدهای تصورات کلیشه‌ای، برخی راهکارهای عینی را نیز ارائه کنیم. در پژوهش‌های جدید که درباره چگونگی تغییرات ممکن در تصورات کلیشه‌ای انجام شده است، بر این نکته پافشاری می‌شود که نگرش‌های نیندیشیده و ناخودآگاه^۱ و رفتارهای برآمده از آنها تغییرپذیرند (Fiske, et al. 2009: 527). در ادامه برخی راهکارهای عینی رویارویی با آثار و پیامدهای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی ارائه می‌شود:

۱. مداخله‌های شناختی در راستای برهم زدن تصورات کلیشه‌ای یا کاستن آثار آنها می‌تواند در کاهش اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بسیار تأثیرگذار باشند. در این زمینه، نخست باید فرد را به اندیشه درست درباره دیگران وادار کنیم تا به جای پرداختن به عضویت فرد در یک گروه یا دسته‌بندی ویژه همچون مسلمان یا ایرانی، به ویژگی‌های منحصر به فرد او پردازد. در مرحله دوم باید فرد را در برابر اطلاعاتی که با تصورات کلیشه‌ای ناسازگار است، قرار دهیم. تماس با اعضای گروه‌ها راهی برای دریافت اطلاعات درباره دیگران است.

۲. یکی از مشکلات در زمینه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی این است که افراد برخوردار از تصورات کلیشه‌ای برای یافتن شواهد موجود در راستای پشتیبانی از تصورات کلیشه‌ای خود می‌کوشند. ما لزوماً پس از تجربه چند استثنای چشمگیر در تصورات کلیشه‌ای خودمان بازنگری نمی‌کنیم. (اسدورو، ۵۱۹: ۱۳۸۴-۵۱۸) از این‌روی شاید کسانی که تصورات کلیشه‌ای دارند، داده‌های ناسازگار با تصورات خود را نادیده بگیرند، زیرا دانش متفاوت به فراموشی سپرده می‌شود یا تحریف می‌شود و تأثیر آن کاهش می‌یابد. از آنجاکه

^۱ Automatic Attitudes .

کوشش برای دستیابی به یک چشم‌انداز بی‌تنوع و سراسر یکدست، سودمند نیست و حتی شاید ویرانگر باشد، نخست باید باورهای نادرست را دگرگون کرد. شاید ابعاد این رویکرد مناسب به نظر برسد، ولی انجام آن دشوار است و به برنامه‌ریزی موشکافانه و علمی نیاز دارد. روانشناسان و تحلیلگران مسائل اجتماعی به یافتن راه‌های کاهش کلیشه‌ای‌سازی و پیش‌داوری گرایش دارند. دو راهکار عینی برای مدیریت پیامدهای تصورات کلیشه‌ای در این زمینه چنین است:

الف. تغییر در درون‌مایه تصورات کلیشه‌ای (ویژگی‌ها یا نشانه‌های روشنی که کاربرد آنها برای گروه‌های هویتی دیگر ممکن است) با محوریت جهت‌دهی بی‌طرفانه و مثبت، زیرا لزوماً تمرکز بر تغییر آنها به معنای بهبود شرایط نیست و شاید به‌رغم کوشش برای تغییر و مهار آنها، تصوراتی منفی با ابعادی ویرانگرتر پدیدار شود.

ب. تغییر در میزان هم‌رأی بودن افراد در پیوند دادن برخی صفات به برخی گروه‌ها که از راه کاهش اطمینان افراد ممکن می‌شود. نخست میزان هم‌رأی بودن در تصورات درباره هر یک از اقوام سنجدیده می‌شود و سپس بر پایه درجه هم‌رأی بودن، تصمیم‌گیری می‌شود. شاید تصورات کلیشه‌ای پرطرفدار، بیشتر بر اطمینان به آنها استوار باشد. هرچه دوران توجه به تصورات طولانی‌تر باشد، ممکن است آثار ویرانگر آن بر اعضای گروهی که درباره آنها کلیشه‌ای‌سازی شده، بیشتر باشد.

۳. اوضاع رو به دگرگونی پس از جنگ جهانی دوم، مایه پیوستگی بیشتر میان افراد گوناگون شد. در دهه ۱۹۵۰ میلادی دانشمندان اجتماعی بر ارتباط در موقعیت برابر^۱ میان اعضای گروه‌های گوناگون جامعه، به‌عنوان برجسته‌ترین ابزار کاستن تصورات منفی کلیشه‌ای و پیش‌داوری پافشاری کردند. در این مقطع این ایده مطرح شد که اگر محتوای تصورات کلیشه‌ای درباره اقوام و گروه‌های هویتی دیگر به‌جای سرچشمه گرفتن از شایعات^۲ فرهنگی، رادیو، روزنامه و گونه‌های دیگر تماس غیرمستقیم، برآمده از تجربه مستقیم باشد، ممکن است اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی با گسترش تماس و ارتباط مستقیم اصلاح شود. (Schneider, 2004: 382) بر پایه دیدگاه ارتباط برابر، اگر افراد با عادات، ارزش‌ها و

^۱ . Automatic Attitudes

^۲ . Automatic Attitudes

نگرش‌های گروه‌های دیگر آشنایی بیشتری داشته باشند، سطح پیش‌داوری آنها کاهش می‌یابد. تعامل میان گروه‌ها کمک می‌کند تا افراد گوناگون بودن و تفاوت میان خودشان را دریابند و در راستای اهداف مشترک همکاری کنند. تحلیل فراگیری که «پتیگریو» و «تراپ» در سال ۲۰۰۰ انجام دادند، نشان داد که گرایش کلی این است که پیش‌داوری بر ارتباط تأثیر می‌گذارد؛ ولی تأثیر ارتباط بر پیش‌داوری و نگرش‌های کلیشه‌ای بیشتر است. (Pettingrew and Tropp, 2000: 93-94)

می‌توان فرضیه‌های اصلی این نظریه دربارهٔ اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را این‌گونه برشمرد:

- ۱- بیشتر تصورات کلیشه‌ای نادرست‌اند، زیرا برآمده از تجربهٔ اندک و ناقص هستند.
- ۲- فرضیه ارتباط بر این باور استوار است که ارتباط با افراد گروه‌هایی که دربارهٔ آنها تصورات کلیشه‌ای ساخته شده، می‌تواند شواهد روشنی برای نادرستی تصورات کلیشه‌ای فراهم کند.

- ۳- در این نظریه چنین انگاشته می‌شود که افراد در رویارویی با واقعیت خواهند پذیرفت که تصورات کلیشه‌ای آنان نادرست است و باید در آنها بازنگری کنند.

۴. «وبر و کروکر»^۱ سه الگوی ممکن برای تغییر تصور کلیشه‌ای ارائه می‌کنند: (Hamburger, 1994: 345)

الف. الگوی دفترداری^۲: افراد گرایش دارند که هنگام روبه‌رو شدن با داده‌های سراسر ناسازگار، تصورات کلیشه‌ای خود را در جهت مقابل آن تغییر دهند.

ب. الگوی تغییر: تصورات کلیشه‌ای از راه فرآیند انباشتی تغییر می‌کند که در آن هر بخشی از داده‌ها که ناسازگارتر است، تأثیرش را از دست می‌دهد.

ج. الگوی مقوله‌بندی خرد^۳: اطلاعات ناسازگار، استثناء شمرده می‌شوند و در یک مقولهٔ جزئی طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندی‌های خرد تأثیر کمی بر سطح بالاتر مقوله‌بندی خواهد داشت و هدف برتر همانند گذشته باقی خواهد ماند.

۵. آگاه ساختن افراد در برابر ماهیت تصورات کلیشه‌ای، پیش‌داوری و پیامدهای آن و بالا بردن سطح آگاهی افراد دربارهٔ گوناگونی هویتی گفتمان اسلام‌گرایی از راه گسترش

^۱ . Weber and Crocker

^۲ . Book keeping

^۳ . Subcategorization- Subtyping

ارتباطات میان گروه‌های هویتی گوناگون جامعه؛ پدید آوردن فضای ساختاری بایسته برای تجربه زندگی چند فرهنگی در محیط‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها؛ آسان‌سازی تعامل و پیوندها میان گروه‌های دینی و مذهبی؛ آگاه کردن خانواده‌ها به‌ویژه والدین، زیرا نقش‌آفرینی آنها در مراحل اولیه زندگی (پیش‌دبستانی) بیشتر است و نگرش بچه‌ها درباره دیگران وابستگی شدیدی با دیدگاه والدین دارد.

۶. کوشش تأثیرگذار رسانه‌های دیداری و شنیداری و بالا بردن کارکرد رسانه‌های گروهی به‌ویژه رادیو و تلویزیون، به‌مانند یکی از ابزارهای کارآمد در راستای آشنایی با میراث فرهنگ اسلامی ایرانی و زدودن احساسات منفی و پیش‌داوری درباره اسلام و ایران.

۷. به‌کارگیری ابزارهای کارآمد رسانه‌ای و هنری برای رویارویی با اسلام‌هراسی: از آنجاکه اندیشه مردم در روزگار کنونی همواره درگیر بمباران دانستنی‌ها است، به‌کارگیری برخی روش‌های هنری می‌تواند تأثیر دوچندانی بر نگرش مردم داشته باشد: (ر.ک: عطایی، ۱۳۹۴) الف. بهره‌گیری از هنرهای تجسمی اعم از کاریکاتور، نقاشی، مجسمه‌سازی و . . . برای نشان‌دادن چهره رحمانی اسلام.

ب. به‌کارگیری صنعت فیلم‌سازی برای نشان‌دادن چهره رحمانی اسلام.

ج. به‌کارگیری صنعت مستندسازی برای نشان‌دادن واقعیت‌های اسلام و کشورهای اسلامی.
د. به‌کارگیری نشریه‌ها و روزنامه‌های سراسری در کشورهای غربی برای واکنش پرشتاب در برابر سیاست‌های اسلام‌هراسانه.

۸. رویارویی با سرچشمه‌های پدید آوردن اسلام‌هراسی در کشورهای اسلامی: در میان کوشش محافل غربی برای پدید آوردن اسلام‌هراسی، شکل‌گیری برخی جریان‌های تروریستی تکفیری با نام اسلام، به روند اسلام‌هراسی شتاب می‌دهد. پیدایش گروه‌های افراطی در جایگاه جایگزین اسلام‌گرایی راستین، از سرچشمه‌های برجسته اسلام‌هراسی است که با بزرگنمایی محافل غربی قدرت یافته‌اند. به‌راستی پیدایش گروه‌های تندرو همچون القاعده و داعش و جنایات آنان در کشورهای اسلامی و غربی زمینه ساخت فیلم‌ها و کاریکاتورهای اسلام‌هراسانه را فراهم کرده است. از آنجاکه پدیدآورنده سرچشمه‌های اسلام‌هراسی در کشورهای اسلامی بازیگران درونی هستند، تأثیر بسیاری بر مخاطبان اسلام‌هراسی دارند و مهار اسلام‌هراسی غربی را دشوارتر می‌کند.

۹. کوشش برای شناساندن اسلام اصیل و اعتدال‌گرا به جهانیان: بسیاری از اسلام‌هراسان همچون «تری جونز» که در سال ۲۰۱۱ قرآن را در برابر دوربین سوزاند، صراحتاً ابراز کرده‌اند که تاکنون قرآن را نخوانده‌اند. از این روی با اطمینان می‌توان گفت که بخشی از اقدامات اسلام‌هراسانه از کوتاهی مسلمانان در شناساندن اسلام ناب به جهانیان سرچشمه گرفته است. در این راستا می‌توان راهکارهای زیر را برای گسترش الگوی اسلام ناب نام برد:

الف. اردوهای آشنایی با کشورهای اسلامی برای گروه‌های نخبه.

ب. برگزاری همایش‌های شناساندن اسلام در کشورهای غربی در راستای شناساندن چهره راستین اسلام.

ج. بهره‌گیری از سخنان اندیشمندان غربی درباره‌ی شایستگی‌های اسلام.

د. از آنجایی که افراد در هنگام دوگانگی میان داده‌های فردی و تصورات کلیشه‌ای می‌کوشند تا از داده‌های فردی خود بهره‌گیرند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۲۰۴ و ۲۰۵)، می‌توان با نمایاندن داده‌های درست درباره‌ی اسلام ناب، به‌کارگیری تصورات کلیشه‌ای را دچار آشفتگی کرد.

۱۰. گفتگو میان مسلمانان و غربی‌ها:

الف. انگیزه‌دادن به استادان دانشگاهی برای نگارش آثار مشترک با نویسندگان غربی.

ب. برگزاری همایش‌های بین‌المللی برای شناسایی و جذب استادان در راستای همکاری با آنها در زمینه‌ی رویارویی با اسلام‌هراسی.

ج. پیوند با نخبگان غربی و نشان‌دادن چهره‌ی راستین اسلام.

د. ارائه امکانات لازم برای بهره‌گیری از توانایی دانشجویان مسلمان به‌ویژه ایرانی در راستای شناساندن اسلام ناب به دانشجویان سراسر جهان.

۱۲. در زمینه‌ی رویارویی با ایران‌هراسی نیز می‌توان گفت که هویت فرهنگی ایران به‌مقتضای جایگاه جغرافیائی و تاریخی‌اش، همواره با هویت‌های فرهنگی جهان ارتباط و گفتگوی سازنده داشته و یکی از واسطه‌ها و عوامل برجسته‌ی گسترش عناصر فرهنگی هویت‌بخش در سطح جهان بوده است. در عرصه‌ی دادوستد جهانی و با نگاه به امواج روبه‌افزایش جابجایی فرهنگی، آن فرهنگی کامیاب‌تر است که بتواند انباشته‌های معنایی و الگوهای رفتاری نوینی به جهانیان عرضه کند. تبلیغ مستقیم و بی‌پرده، زبان جهان‌اندیشی نیست؛ بلکه بهره‌گیری از

ظرفیت‌های دیپلماسی نرم در چارچوب تعامل علمی، پشتیبانی فرهنگی، گسترش دیدگاه‌های انسان‌گرایانه، جابجایی استاد و دانشجو، بورسیه‌های تحصیلی، . . . است که می‌تواند بهتر از هر گزینه دیگری چاره‌ساز باشد. سیاست‌گذاری‌های نرم و کوشش برای تحقق اهداف فرهنگی و هویتی با اقداماتی همانند موارد زیر انجام می‌شود: گسترش مراکز آموزش زبان فارسی؛ آشنا کردن نسل جدید با روش‌ها و بنیادهای هویتی فرهنگی ایرانی؛ برگزاری سفرهای گردشگری؛ چاپ و پخش ماهنامه‌ها و مجلات رواج دهنده همزیستی هویتی تمدنی با کشور مقصد در میان دانش‌آموزان و دانشجویان؛ فراهم کردن زمینه‌های مناسب علمی پژوهشی به صورت جابجایی استاد و دانشجو؛ واگذاری بورسیه‌های تحصیلی؛ چاپ آثار پژوهشی؛ تجهیز و گسترش کتابخانه‌های مرتبط با این بخش.

منابع

- اسدورو، سترام (۱۳۸۴). *روانشناسی*، ترجمه جهانبخش صادقی، تهران: سمت.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). *روانشناسان اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سمت.
- بنگاش، ظفر (۱۳۸۹). نقش رسانه‌های غربی در گسترش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در: *همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر: علل، روندها و راه‌حل‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پاول، جیمز ان (۱۳۷۹). *پست مدرنیسم*، ترجمه حسینعلی نوذری: تهران: نشر نظر.
- جرجیس، فواز ای (۱۳۷۹). *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه محمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۷). *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سعید، بابی (۱۳۷۹). *هراس بنیادین*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی*، چاپ یازدهم، تهران: آوای نور.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۰). *آینده پسانسانی ما: پیامدهای انقلاب بیوتکنولوژی*، ترجمه ترانه قطب، تهران: انتشارات طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: قدرت و هویت*، جلد دوم، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲). *اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلیس*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). *نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه مجتبی امیری، چاپ ششم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳). *روانشناسی سیاسی*، ترجمه علی اشرف نظری و شهرزاد مفتوح، تهران: نشر قومس.
- اسماعیلی، رفیع‌الدین (۱۳۹۲). *هالیوود و بازنمایی ایران‌هراسی در تحلیل واقعه ۱۳ آبان: تحلیل فیلم «آرگو»*، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، پاییز.

-
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). (الف) «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی (مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن)»، فصلنامه علمی ترویجی رسانه، سال بیستم، شماره ۳.
 - افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). (ب) دو چهره اسلام‌هراسی سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب، فصلنامه رسانه، سال بیستم، ش ۳: ۲۹-۴۴.
 - ایزدی، فؤاد و دیگران (۱۳۹۲). ایران‌هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق‌شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایرانیوم، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، زمستان: ۶۹-۹۱.
 - بشیر، حسن (۱۳۸۹). اسلام‌هراسی؛ مقدمه‌ای برای ایران‌هراسی، رسانه‌های بیگانه؛ قرائتی با تحلیل گفتمانی، ماهنامه مدیریت ارتباطات، ش ۳، مرداد ماه: ۹-۱۲.
 - خانی، محمدحسن (۱۳۸۸). "اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن"، فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۹، پاییز: ۵۷-۴۵.
 - عطایی، امین (۱۳۹۴). راهبردهای مقابله با تصورات قالبی در اسلام‌هراسی، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۲۵ در: npps.ir
 - هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۶). «اسلام و غرب: از درگیری به گفتگو»، ماهنامه پیام امروز، ش ۲۱، دی ماه.
 - Abrams, Dominic & Diane M. Houston (2006); Equality, Diversity and Prejudice in Britain. *Report for the Cabinet Office Equalities Review*, October: University of Kent Center for the Study of Group Processes.
 - Amodio, David M. and Matthew D. Lieberman(2009); Pictures in our Heads. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. New York: Psychology press.
 - Ashmore R. D & Del Boca F. K(1981); Conceptual Stereotypes and Stereotyping. In D. L Hamilton(Ed). *Cognitive Processes in Stereotyping and Intergroup Behavior*. Hillsdale.
 - Bargh, J. (Ed) (1999); *The Cognitive Monster: The Case Against the Controllability of Automatic Stereotype Effects*. New York: Guilford.
 - Brewer, M. B, and Miller, N (1984); Beyond the Contact Hypothesis: Theoretical Perspectives on Desegregation. In N. Miller & M. B. Brewer (Eds.), *Group in Contact: The Psychology of Segregation*, Orlando, FL: Academic Press: 281-302.

- Catarina Kinnvall, Paul Nesbitt-Larking(2011), *The political psychology of globalization: Muslims in the West*, Oxford: Oxford University Press
- Glick, P & Fiske, S. T. (1999); Gender, power dynamics and Social interaction. In M. feree, J. Lovicer, & B. B. Hess (Eds) *Revisiuning gender*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hunter, Shireen T. (2004). *Modernization and Democratization in the Muslim World*. Washington, D. C: Center for Strategic and International Studies.
- Jussim, Lee, et. al (2009); The unbearable Accuracy of Stereotypes. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Klausen, J. (2005), *The Islamic challenge: Politics and religion in Western Europe*. London: Oxford University Press.
- Mead, George Herbert (1967); *Mind, Self, and Society from the Standpoint of Social Behaviorist*, Chicago, The University of Chicago Press.
- Mousalli, Ahmad (2003). *Images of Islam In the West And The West In the Islamic World*. Ardb. PR Publication.
- Schneider, David J. (2004). *The Psychology of Stereotyping*. New York: The Guilford press .
- Stangor, Charles (2009); The Study of Stereotyping, Prejudice and Discrimination with in Social Psychology: A Quick History of Theory and Research, in: Nelson, Todd (2009). *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. NewYork: Psychology press.
- Wang, Connerton P(1989). *How Societies Remember*. Cambridge: Cambridge U. P.
- Weber, Rence & Crocker, Jennifer (1983); Cognitive Processes in the Revision of Stereotypic Beliefs, *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 45, No. 5: 961-977.
- Zanna, P. (Ed). *Advances in experimental social psychology San Diego*, CA: Academic press.
- Carter, John D. et al (2006); Individual differences in the acceptance of Stereotyping, *Journal of Research in Personality*, Volume 40, Issue 6, December: 1108 (1103-1118).
- Dessa ,S (1987). Political Philosophy and Orientalism: The Classical Origins of a Discourse. *Alternatives*. No 12.

-
- Fiske, S. T et al (2009); A Model of Stereotype Content, *Journal of Personality and social Psychology*, 82: 878-902.
 - Hamburger, Yair (1994); The Contact Hypothesis Reconsidered: Effects of the Atypical Outgroup Member on the outgroup Stereotype. *Basic and Applied Social Psychology*, 15 (3): 339-358.
 - Hirschfeld, L. A(2001); On a Folk Theory of Society: Children , Evolution, and Wental Representation of Social Groups. *Personality and Social Psychology Review*, s, 107-117.
 - Hoffman, C. & Hurst, N. (1990); Gender stereotypes: perception or rationalization, *journal of personality and social psychology*, 58, 147-208.
 - Jahoda, (2001); Beyond Stereotypes. *Culture & Psychology*. 7: 181-197.
 - Madon, Stephanie et. al (2001); Ethnic and National Stereotypes: The Princeton Trilogy Revisited and Revised, *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol, 27. NO. 8, August: 996-1110.
 - Pettingrew, T. F and Tropp, L. R (2000); Does ingroup Contact Reduce Prejudice: Recent Meta-analytic Finding. In S. Oskamp (Ed), *Reducing Prejudice and Discrimination*, New Jersey: Erlbaum: 93-114.
 - Qureshi, Kaveri and Zeitlyn, Benjamin (2012). *British Muslims, British soldiers: cultural citizenship in the new imperialism. Ethnicities*, 14. Pp. 110-126.
 - Semin, Gun R. (2009); Stereotype in the Wild, in *Stereotyping Dynamics: Language-Based Approaches to the Formation, Maintenance, and Transformation of Stereotypes*. NewYork: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Shills . Edward(1968). The Concept and Function of Ideology. *International Encyclopedia of Social Sciences*
 - Tajfel, H. (1981) (A); *Human Groups and Social Categories*. New York: Cambridge University Press.
 - Tajfel, H. (1981) (B); Social Sterotypes and Social Groups. In J. Turner & H. Giles (Eds). *Intergroup Behaviour*. Oxfork , UK: Blackwell: 144- 160.
 - Zick, A. , Küpper, B. and Hövermann, A. (2011) *Intolerance, Prejudice and Discrimination: A European Report*. Berlin: Friedrich-Ebert-Stiftung.

- والت، استفان (۱۳۹۴/۵/۷). «ایران هراسی، بیابان‌های داغ و درآمدهای نفتی»،
<http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=151>
- (۱۳۹۴/۵/۲۴) «اسلام‌هراسی در مدارس فرانسه» :
<http://www.tabnak.ir/fa/news/455254/>
- (۱۳۹۴/۵/۱۲) «ایران‌هراسی در سریال Intelligence» :
<http://www.faraghlit.com/>
- «مجری سی‌ان‌ان پس از بازگشت از ایران چه گفت؟» :
<http://www.asriran.com/fa/news/364039/>
<http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/Islamophobia>